

M.A. LIBRARY, A.M.U.



بسم الله الرحمن الرحيم

الف لام سبه قسمت اسمی معنی الذی و مفعول آن و آن اکثر بر اسم فاعل و مفعول معنی
حدوث و هل شود نه بر صفت مشبیه و هم تفصیل زیرا که این کلمه دو وجهین است بطاهر
حرف و معنی اسم پس در نوشتن نیز وجهتین باید و آن اسم فاعل و اسم مفعول مذکور است
که بظاهر مفرد و بحقیقت جمله است و صفت متشبه بسبب دلالت بر ثبوت صلاحیت تاویل
فعل ندارد و کذا اسم التفصیل مثل الضَّارِبِ الْمَضْرُوبِ اى الَّذِي ضَرَبَ وَالَّذِي ضُرِبَ
وَالضَّارِبُ وَالْمَضْرُوبُ اى التِّي ضَرَبَتْ وَالتِّي ضُرِبَتْ و این لام احتمال حرفیت نمیدارد
والا لان از عمل میشد و گاهی در شعر ظروف و حلقه اسمیه فعل منمازع که جمله باشد نیز قابل
شو و مثال اول شعری من لا يزال شاكرا على المعية فهو خير لحيته ذات سعة
ای الذی معه مثال ثانى شعری من القوم الرسول الله ثم هم ذنب
رتاب نبی سعد * ای الذی رسول الله ثم هم مثال ثالث شعری و او صحیح
الفرح من نفاقه * و من محروبا حتى لم يتقطع * ای من مجز الزم التعيين

۵
 فرستادیم
 جانب فرعون
 رسول پایش
 کاغذی که در خون
 آن رسول راه
 می نمودیم
 از پیش خود ادا
 می کردیم
 اورد
 تا به کعبه
 شایسته شاد
 در شام
 مردم و خانه را

۵
 فرستادیم
 جانب فرعون
 رسول پایش
 کاغذی که در خون
 آن رسول راه
 می نمودیم
 از پیش خود ادا
 می کردیم
 اورد
 تا به کعبه
 شایسته شاد
 در شام
 مردم و خانه را

و اینجا معرفت بلام جنس حکم کرده و دارد که طغش پیشنی جمله نکره واقع شده و بعضی
 این را عمد فوہنی قرار داده اند و بعضی این صنف را دو گونه ساخته اند یکی برای جنس
 نفس است قطع نظر از عموم و خصوص کما رووم برای مابیت من حیث الاطلاق
 نحو الانسان نوع و الخیوان جنس حالانکه حاجش نیست زیرا که مقید علی الاطلاق
 نیست و ضمن تحقق عموم پس تجدید اصطلاح مفید فائده جدید نیست قسم سوم
 حرف زائد و آن دو نوع است اول لازمه و آن چند صنف باشد اول
 عوض حرف محذوف مثل الله صلی الله علی الامم بعد حذف هزه الف لام
 بوضش آورده و مجموع علم و حب تقالی شد پس افاده تعریف از علیت است و
 الف لام زائد و هم غیر عوض و دخل بر اعلام مرتجل نحو الرسول بفتح سین و هم
 و هزه بعد و او ساکن نام این عاویذ شاعر بود می پانزده کنی بابو بر او اشیع بفتح
 نام پیغمبر سوم غیر عوض و دخل بر اعلام منقول نحو الکات و العزلی زیرا که
 لات و اصل بشید تا نام شخصی است که بنده سولی و طائف بوده است که
 مردم بر قبرش هجوم کرده و تن ساختند و بطور بتان پرستش نمودند و عشیع
 و ختی بوده است در عطفان که او را می پرستیدند و چون خالد بن ولید آنرا با حکم
 رسول مقبول قطع کرده بود و شیطان بنی عربستان مودست بر سر خیل گویان
 برآمد تا آنکه خالد بصر تبائی ششیر او را مقبول نمود و او می گفت یا ستر
 کفر انک لا یجانبک اری رأیت الله قد انما انک یس فرمود شخص حضرت

۱۰
 قادر این امر فاشی
 التوسیل الی الله و ان یطیع
 منک ما یرضی باجد
 انک انیکند و لیس بیک
 چنانی کمال باشد انیم
 کذا فی شرح منزه خطی
 علی درجہ کماله و انما
 جنس استیسی
 دیگر بوده باشد
 ۱۱
 امی شش
 صنفین که در ان
 و فی کده از کلمات
 انشائی که یک
 در اصل معنی بوده اند
 ۱۲
 یکی از ان
 یکم یعنی که یک
 خدایه که انکه

2.

Figure 1

Figure 1

1

1

10

100

1

١٠٠

2

...

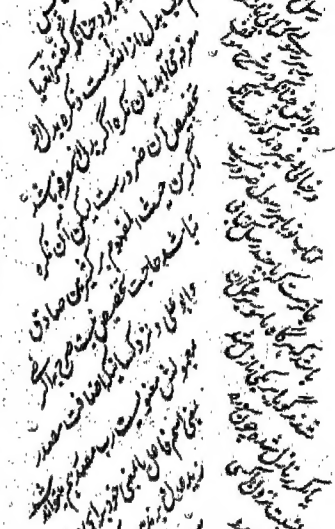
20

—

بر بسیاری از اعلام مذکور سواى این هر دو داخل نمیشود و از آنست اجد و معروف
و صالح صرح به این هشام و ازین قبلیست لفظ عالیه و فاطمه و و هم عارض
و داخل در ضرورت شعری و اصل بر اعلامیکه قبل قابل دخول نباشند چنانکه
درین اشعار شعر با عدائم العزمین اینچه را و رؤس الیواب علی قصور ما شعری
رایت الی کیندن الیزید یبنازکا و شذیه اباعبار الخلفه کابل و زیرا که لفظ یزید
و عمرو در اصل قابل دخول نیست و پس علیه شعر و لکن جینک لکوا و عسلا قلا
و لکن نیکک عن بنات الاوزیر و چه بنات او بر عظم شمار و غت و همچنین داخل
بر تمیز نحو شعر رایت کما ان معرفت و یوز بنات و صدوت و طبت انفس
یا قیس عن عرو و اما دخول و در شعر حال و قول ایشان او نلو الاول فالاول و بانها
ان غیر شاد است چه حال نکره بیانشد سو هم داخل بر سهای بلدان مثل الکوفه و
البصره و الزبید و اصنعاء و المدین و بعضی گویند دخول این لام قیاسی است اما
حق اینست که اینهم منحصر و موقوف بر سماعست و لهذا الملکه نمیگویند و ازینجاست
که جریری در ذروة القواس می آورد و لم تدخل الالف و اللام علی المشاییر من المعانی
مثل و جله و معرفه و ذکا و نحوه و هذا التفصیل فی رسالتنا الامیه فی اللسان
العربی و بعد الحمد و التمجیه و الصلوٰه علی رسول خیر البریه و علی آله و سائل المجلس القدر

[illegible][illegible]

این کتاب در دست
 قاضی محمد علی
 است که در کتاب
 خود یاد کرده
 است که این کتاب
 در کتابخانه
 خود داشته
 است

[illegible][illegible][illegible]

فصل کلمه ایست مبنی برای افهام معنی یا یکی از اقسامه ثلثه
 ماضی و حال و مستقبل چون سح اسد کشاو خدا و یقین می یابد
 یا خواه کشاو و احم کلمه ایست موضوع برای معنی مستقل نه

[illegible]

چون مضارع را بعضی مستقبل گویند و اندوهی بی تکیه بدین وجه

[illegible]

[illegible]

فصل در آنکه برای پنج صیغه هست و بنا بر آن از مضارع

کامران و لای ساری از
عاقبت وقت مغرب و
مستطابان و تاجران در
صلوات

در وقت شواله فیکد
چهارمین روز از ماه
شعبان کندیس

از امام قادیانی

[illegible]

الحمد لله الذي جعل القرآن
مكتوباً في سبعة عشر ألفاً
وخمسة مائة سنة

الزوائد
الموصل

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کامیاب و آتش و شادان کن کبیر کافیه غمخوار و بیکام

[Faint handwritten notes at the bottom of the page, likely bleed-through from the reverse side.]

65

کتابخانه عمومی

فادو پورا حال

از کتب و اسناد

اول من استقر في مكة

ماضي جہنی برقی

12

از ناقص مضاعف و بین ابواب فتح عید آید و امثال

باب عشر فی بیان چنانچه پستی و برابری مجرور یک باشد

[illegible]

کتابخانه عمومی

پیشو فیضیہ مکتبہ
پیشو فیضیہ مکتبہ

بصورت رباعی مثلاً فی مفعول می نیمری آید و رباعی

نور اشرف است که در این عالم ظهور یافته و در این عالم ظهور یافته و در این عالم ظهور یافته

...

باب اول فی فضائل رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فصل در شناخت
 بعضی اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی

بسم الله الرحمن الرحیم
 در بیان اصول و مبانی

باب ششم فی افعال
 در بیان اصول و مبانی

باب هفتم فی افعال
 در بیان اصول و مبانی

در بیان اصول و مبانی

باب اول فی افعال
 در بیان اصول و مبانی

در بیان اصول و مبانی

فصل در بیان اصول و مبانی

در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی

۳۱

در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی

در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی
 در بیان اصول و مبانی

[illegible]

فعل ناقص
فعل تام
فعل ناقص
فعل تام
فعل ناقص
فعل تام
فعل ناقص
فعل تام
فعل ناقص
فعل تام

هفت یاست باب اول تفعیل تجلب تجلب

تجلب تجلب تجلب تجلب و م تفعیل تجلب تجلب
چادر پوشیدن ۱۲

تفعیل آه باب سوم تفعیل تجلب تجلب
پوشیدن ۱۲

تجلب آه باب چهارم تفعیل تجلب تجلب
پوشیدن ۱۲

تفعیل تشریف تشریف تفعیل تشریف
پوشیدن ۱۲

تفعیل تسوول تسوول تسوول تسوول
پوشیدن ۱۲

تفعیل تفسی تفسی تفسی تفسی
پوشیدن ۱۲

تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب

تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب

تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب
تجلب تجلب

غفر الله له

[illegible]

[illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible]

استغفر متہ و کسبان یعنی پنداشتن تیرے رام و صوف باخدا

استحسنه وتحول نحو البحرين واستنقذوا من الغرق

انقرضی قصص و شریح مطابعت فعلی خواسته فاستقام

وَبَقِيَ مَجْرُودٌ فَعَلْ تَقَعْلَ وَقَعْلَ وَاتَّعْلَ وَتَعْلَالُ وَتَعْلَالُ

از دم و علاج لازمست و مطاوعت فعل علی بن کثیر

مواظفت ففعلنا وروفاى آن لام را و نون حرف لين

بدرستی این سخن را قبول
دارم و ضمناً به صاحب این کتاب
تقدیر و تعریف عرض می‌کنم.
فقط از آنجایی که در بعضی مواضع
از نظر نگارنده اشکالاتی
پیدا شده است، خواهشمند است
در صورت امکان اصلاح فرمایند.

با احترامات فراوان

دکتر محمد علی باقرزاده

۱۳۰۲

علاج ما
 مولا که در آن زمانه سکار
 مولا و دست دانه
 سلطان شاهی که از علاج
 صلوات بر او باد و ثواب اول
 صلوات بر او باد
 این با بست
 صحت باشد علم از فضل علاج
 نیست و سلطان و عفت نسبی می
 نازد علاج از علم نیست و این
 در آن زمانه

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

محکمہ خزانہ
وزارت خزانہ
کراچی

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

فصل فی بیان فضائل و مناقب
و احوال و عیال و اولاد و خدمت
و کرامت و احوال و عیال و اولاد و خدمت

دستور

10/10/1964

وہابیہ کے خلاف

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

حسب مقتضى الحال



عین ماضی مجهول بود و در معروف تعلیل یافته کسر از
 بجای ضمه ماقبل سی چون قبل بیع و خیر و الفید
 قول و یوع و استور و نفوذ و فای ماضی که ثانی مجر دست
 حذف عین با اجتماع ساکنین کسره یابد اگر اوج فای یابی بود
 یا از باب مکسور العین و گرنه ضمه چون قلن و یمن و یمن و یمن و یمن
 و یائیکه بعد ساکنین یابد بود و در عین فعل یا شبه فعل
 مصدر و مشتق مساوی فعل بوزن عروضی حرکت از

ای که عین ماضی آن
 کسره یا شکر و و ای
 بود کسره یا شکر و و ای
 یا بابت باب است
 از زلات است جرس
 بخود است است و و و
 قول و یوع و استور و
 مدون است است و و و
 حذف عین با اجتماع
 یا از باب مکسور العین
 و یائیکه بعد ساکنین
 مصدر و مشتق مساوی
 فعل بوزن عروضی

عین ماضی مجهول بود و در معروف تعلیل یافته کسر از
 بجای ضمه ماقبل سی چون قبل بیع و خیر و الفید
 قول و یوع و استور و نفوذ و فای ماضی که ثانی مجر دست
 حذف عین با اجتماع ساکنین کسره یابد اگر اوج فای یابی بود
 یا از باب مکسور العین و گرنه ضمه چون قلن و یمن و یمن و یمن و یمن
 و یائیکه بعد ساکنین یابد بود و در عین فعل یا شبه فعل
 مصدر و مشتق مساوی فعل بوزن عروضی حرکت از

[illegible][illegible][illegible]

سید احمد علی خان

[illegible]

[illegible]

و اولیٰ ما حصل بسبب
تلاویٰ قرآن و تفسیر
عروض و تدریس و تالیف
از کتب است با حصول
از کتب و تفسیر و تالیف
افزایش و تدریس و تالیف
و تدریس و تالیف

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

دفعه در صورت لزوم
برون اول برای حصول
رسانست برود و از
تحت برای مردم از
تحت برای مردم از
تحت برای مردم از

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

۷
فصل فی نظام گردن
چلی داد اول ما
و کند حال اقلی
اوله یکم و دو
سایین علی و

قوله واهب رش
 لبس وود علی اقام
 دین خون وصال خنده
 چون صحرای بیابانی وادان
 کین داد و دو تویم وادان
 قوله واهب رش
 اهل محبت و خلدین
 غالی محبت و خلدین
 باد و زبانت وادان
 کینستان ست وادان
 قوله واهب رش
 خندان وادان وادان

از دو کلمه او خام ساکن غیر مدیه واجب است او خام متحرک

قالوا زماننا و زمانهم

جائز اگر ما قبل امتحان گشت یارمه و دوم متحرک و الا نه شرط

او خام است که اعلال مزاحم نشود بحار عوی و نه پس نبود

ای در اسم با تحریک اول نحو سبب حرف اول یای سکتی

بدل از مهر و ایف مدغم فيه نباشد و دوم برای الحاق بود

اول ملازم آید ۱۳۰
دو حرفت درینک یا فایده ادغام
ایمانی مانع شود و بدین
مستحق است و درینک یا فایده ادغام
مستحق است و درینک یا فایده ادغام

متجانیں اس لئے کہ لوٹال
اول تجانیں

و بنیامد که بعد از آنکه در دیار مدینه و در دو هفته مرده و مسدود

کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم

الکلیہ اہل علم و فضلہ

مستطاب

دینار الاسلامی کی مدد سے

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

جانبی کے متجانسین اور
اصلی یا اول

البيكون للعلم
الراشد افلاس
المتنوع
الاسي

پیشہ کی علامت

مضایع و دودیم تاسے
تعلیل و قایل بود^{۱۳}
و قالوا یا عدوتیں
لا شاکہ در زاری^{۱۴}
ایک انگشت نزد دو منفر
حصول زیادت نقل در
یک کلر چن مری شن
منظر دور در حکم چن لگا
لنا و از کس

یہاں ایک اور ایسا ہی قصہ ہے جس کا بیان ایک مسافر نے کیا ہے۔ وہ فرماتا ہے کہ میں نے ایک بار ایک ایسے ہی ایوان میں داخل ہوا تھا جہاں ایک شخص نے ایک اور ایسے ہی ایوان میں داخل ہوا تھا۔

چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت

و غین و رجا و حسد و بغض آن بجا و سیم و شین و با
 در نیم و فو و میان غین و رجا و میان قاف و کاف و میان
 ط و ظ و وال و فال و تا و ثا و س و س و سا و و زا و
 و در میان هر سه و تا می افتاد بعد حرف مطبقه ط و ز و
 پس او خام صا و و ضا و جا و زت بقب ط و جنس قبل
 و او خام ط و اجب او خام ط و اجب بقب ط و اجب و علس
 و بعد و ال و ال و ز می و ال و شو و پس او خام و ال و اجب و
 ای تایی افتاد

چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت

چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت
چون در خفا دل بخت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible][illegible]

و اما حرکت از جمله به لب کن صحیح و از غیر جمله صحیح
 نه در نحو بهر اجبر و من قفل و قلب بهمه بخت حرکتش قفل
 باقیش اگر ساکن است و یا قفل اگر مضطرب و یا خفت حرکت
 باقیل اگر مضطرب است یا یکسور و تشدید آخری که تحریر
 بعد متحرک صحیح است نه بهمه و بدان آن دو لغت اما الف
 افزاینه و قل نه و آن لازمست که سببه و قل مثل هم و جاز است
 در الا هم و خلا می و بهو و لم تخش و هر کلمه که حرکت آخر و

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

بنود و قصص و رقبه و اسم چا حرنی که راجع او الف تائید است

[illegible]

و جمع حذر و جواد و سبحان و فاعل و فاعيل و فاعيله و فاعله و فاعله

سفر و معیت با خلفاء
در پنج قرن پیش از
که در روزن فعل
و کسر دوم بود و
اول و کسر دوم بود و
در پنج قرن پیش از
که در روزن فعل
و کسر دوم بود و
اول و کسر دوم بود و

فَعْلَانِ فَعْلَانِ فَعْلَانِ فَعْلَانِ فَعْلَانِ فَعْلَانِ فَعْلَانِ فَعْلَانِ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

وَسَيَعْبُدُونَ وَجْهَ مُحَمَّدٍ بِرُحْمَةٍ وَفَصِيلِ وَسِرْحَانِ سَمَوْنِ

مجلس علمیه و فرهنگستان
مجلس علمیه و فرهنگستان
مجلس علمیه و فرهنگستان

و عباده و اهل و فاعله صفة و جبران نیز این معنی

...میں نے اس کے لئے دعا کی ہے کہ وہ جلد صحت یاب ہو جائے۔

جمع هی ناحیہ وادی سبیل علی محمد زکریا و دیگران

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

و سی پر عابد و طرف در مروج و حنجره و ساق است
ساقاً ۱۲

فی بوم و زمانه
در این کتاب که اصل آن نویسنده جمیع بنی باقص یعنی خدای گزیده که مانع سیل بود و در شخص

...بیشتر از آنکه در این کتاب ...

...میں نے اس کو دیکھا تھا۔

۱۲
 مشاهده و آوردن اوصاف
 جناب که مدارای مختلف برای
 ثبت هر چند از این جبهه ان
 قریب از این جهت برای
 اصول دروغ و این است
 بر غایت این باکست و در
 باقی بماند که در این
 از این جهت که در این
 از این جهت که در این

فہما زادہ از نظرف و کسرۃ یمل یا شد و ای اسکندریہ از اجامیہ سہ باقیق و ۱۳۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تا مگر صورت غیر مکر نشود و پس خط پنجم اول کلیه است
 اگر در ابتدا و لکن و یومیزد و چینه و به اول و متوسط ساکن
 بوق حرکت ماقبل و متحرک بوق حرکتش اگر بعد ساکن است
 و بیشتر منقوصه را بعد الف تانویسند و اگر بعد حرکت مرتب
 در موقبل و او در فرقه بیاید و در غیر آن طبق بین بین غیر اخیر
 اگر بعد متحرک است ساکن بود و یا متحرک بوق حرکت قبلین
 و اگر بعد ساکن است بیفتند چون خب و خب و خبا و با اتصال
 در نصب و ایش صورت

تا مگر صورت غیر مکر نشود و پس خط پنجم اول کلیه است
 اگر در ابتدا و لکن و یومیزد و چینه و به اول و متوسط ساکن
 بوق حرکت ماقبل و متحرک بوق حرکتش اگر بعد ساکن است
 و بیشتر منقوصه را بعد الف تانویسند و اگر بعد حرکت مرتب
 در موقبل و او در فرقه بیاید و در غیر آن طبق بین بین غیر اخیر
 اگر بعد متحرک است ساکن بود و یا متحرک بوق حرکت قبلین
 و اگر بعد ساکن است بیفتند چون خب و خب و خبا و با اتصال
 در نصب و ایش صورت

تا مگر صورت غیر مکر نشود و پس خط پنجم اول کلیه است
 اگر در ابتدا و لکن و یومیزد و چینه و به اول و متوسط ساکن
 بوق حرکت ماقبل و متحرک بوق حرکتش اگر بعد ساکن است
 و بیشتر منقوصه را بعد الف تانویسند و اگر بعد حرکت مرتب
 در موقبل و او در فرقه بیاید و در غیر آن طبق بین بین غیر اخیر
 اگر بعد متحرک است ساکن بود و یا متحرک بوق حرکت قبلین
 و اگر بعد ساکن است بیفتند چون خب و خب و خبا و با اتصال
 در نصب و ایش صورت

تا مگر صورت غیر مکر نشود و پس خط پنجم اول کلیه است
 اگر در ابتدا و لکن و یومیزد و چینه و به اول و متوسط ساکن
 بوق حرکت ماقبل و متحرک بوق حرکتش اگر بعد ساکن است
 و بیشتر منقوصه را بعد الف تانویسند و اگر بعد حرکت مرتب
 در موقبل و او در فرقه بیاید و در غیر آن طبق بین بین غیر اخیر
 اگر بعد متحرک است ساکن بود و یا متحرک بوق حرکت قبلین
 و اگر بعد ساکن است بیفتند چون خب و خب و خبا و با اتصال
 در نصب و ایش صورت

[illegible]

نشر خاتمه مشرعه نسیان کلک گوهر سلک عمان تجریر علم و فن آبر و بخش
در سخن محیط جزیره بدکالات خفی و علی مولوی محمد مادی علی عظم فیضه

کلمه توحید باری عز اسمه در زبان طوطی خامه شکرین نقارست که بزرگان عدلش قسط اسرار عالم و فاعل تمام
خالق سبحانه داستان عند لیب قلم شیرین گفتارست که حکم با تقش ماضی و حال استقبال فاعل حقیقه که از
فرد تا خورشید بر قدرت کامله اش گواه هر غائب و حاضر شد که آن الاله کلمه نشانه لیس کشنده شی بر میثالی او ویس
لا شریک له بجهت بر نفی انباز و عدیل شعر کنش مجهول اهل اداک و آفریننده که معرفتاک به معرفت بیان حق
هر عام به که شکر کند بزرگ انعام به تحفیف نماید و بهر آفریننده به تقصیف با جبر بهر گوکار به لفیفه خدمت حضرت آفریدگار جود
و لازم اشقام فوایح لغت آن مصدر مشتقات مکارم است که بارها و زار خفیه و ثقیلا امتیان برودش شفا بخت
خود گذشته و سفارش محو صبر و کبیره عاصیان ابتداء با کن بر بهمت و الا لهمت داشته سایه دامان لوای حاکمان
بر نقشگان آفتاب قیامت ممد و دلب و عشق اسی نشنه کامان آن وادی بر آفت مکان و درود صدیق بخش
برای از اعتدال و تجربه و دشمنی متر از احتمال به عشق و ختم رسالت بنام نایبش مقصود و خلوت سراسر
او ادنی بذات و الایش همو شعر به نیشهای قرب را شیر البشر بلبل بستان نازغ البصر محمد الیوان وصل کبریا
و فی عین عبدیت بکلمه انما یکة تار و صلا سیری بود عالم اسرار با دخی بود گوهر آیدار صلوات و در شب استیجات
ابدال با و تار بارگاه بخش و آل و اصحاب ذی جایش با و خاصه اربع عناصر خلافت عظمی که بارگاهان ولایت
بگیری که بتدبیر صائب و رای سالم جمع قلت اسلام را بکثرت رسانیدند و بکسیه فرق اهل خدایان
عالم را از زیادت و علت هلاکت پاک گردانیدند بعد ازین تنگ دو عالم کترین نبی آدم جزو محقر با خاک برابر
سیه کار از نبی محمد مادی علی کفرانه خطیایه و شجاده و عن سیاست به بدست دانا یان بر روز مکتوم صرف کنندگان
ادوات و در آنکه معلوم عرض می دهد که جمالات مشیتین کتاب حاجت قوانین رکازی از نواد و مقری سسی
بفصول اکبری مشهور به شهر و دیار و آفتاب رابعه التمار است بهمانه وقت و ممانت بر این فایده
گرو برود و انرا بجزو زمانت نگذیرد کلام حالی که در پیش ازین طباعان روزگار است کوتاه به امانش
او خفیه و بطبع درستی بودش مرثیه بعد ادبی و غالب طبعی ریخته لیکن خواهد خواستش مشواری و همه از

زود تحقیقات جاری ماندند از رونق افزای بزم اہبت و سادہ آرای انجمن مکتب قدردان عظیم و سیران فخر
 نیز اگر مروج مشرقین حاجی محمد حسین **نکذره الشیخ اصابت العین** و النعم علیہ بر ضیائہ فی الدارین **سیر**
 طبع آن پس از تہذیب و ترمیم و آہی ایما فرمود و نظر بفتح عام عثمان توجہ بہ طرف معطف نمود و لاجرم بقابلہ
 نسخ مشتمل بر چندہ تصحیصش پرداختم و از شروع و دیگر کتب مستند فخر محلی و محشی ساختم بیشتر از فوائد کہ تفویض کن
 نموده شد گوش روزگار نشنیده و بسیاری از لطائف عجیبہ کہ در آن ودیعت نمادہ اند چشم او در ندیدہ و
 بلحاظ طول لاطائل نام صریح ناخذ تمثیہ ترمیم بہرگی را در مری قرار دادہ بران گفتا کہ دم چنانچہ شخص عبارت
 از شرح اصول مصنف علامت و در ضمن اشارہ بشرح شافیہ از بزم المائہ رضی الدین عالمی قاصد حج کنایہ از
 جابر کذا از نظامی **سج** از شرح علامت بھی **سج** علم از شاف ابو حیان اختر آسان نامہ داری **ک**
 اختصار کذا از اصول شرح این کتاب از مولوی حمایت علی کاگروی رحمہ اللہ الوطب **ن** بر دوازده اورا اصول
 فی شرح الفصول تصنیف سرمد طلماتج الادبا و الفضلا محیط ناپیدا کنارت تحقیق دریای موجزن تدقیق
 مہر و نشان منطقه افضل و جہ حضرت استادی مفتی مولوی محمد سعد اللہ لازل غیم قیمہ خاطر اذ بخاجہ
 از تہذیب و تحاطر کہ ادنی مشغلہ فکر از بندش روض از سنگ برآوردن و آسان جیلہ طبع و قادیون کتب از انکس
 کردن مضمونیکہ پس خاطرش افتاد ہمیشہ بخویش میناز و نکته کہ مقبول اگر دید کلاہ گوشہ بر آسمان می اندازد
 و از مستقامت روزگار آنکہ کاپی این مطبوع بملاحظہ عالی اہم گشتہ است موجب مزید اعتبار را بنیکہ نظر از شرح
 نیز بحیاب گشتہ نسبت چند حاشی مطبوع سابق این کتاب و امثالش جانب جناب مروج از کار گزاران
 بعض مطالع کہ برای رونق بازار ساختہ و بنا بر ایام مذکور تمام صحیحین اصلانیر و اجتناب حکایتی است خلاف واقع
 پس این مطبوع چنانکہ بسبب فوائد فراوان آبی بر رونق بازار مطبوعات دیگر می شکند بلایزیمہ
 بمقتضای بیشتر بر بنارسائی خود دعوی نیست و در هیچ بابی تکیہ بر صواب و امن از خطا نیست امید
 از دناظران کہ نجشایند و جد و مترقان قصور قبول فرمائید بالجملہ این همان شاید مروج دست کہ تا حال
 مشتاقان را ملالت انتظار افزود و بعد مقتضای زمانی قازہ طبع بر روکشیدہ و در نظر نگارگان
 جلوه نمود و روز بازارش بنیکہ دست و پا توان خسریہ و در نہر و مان این دولت عنقریب کف افسوس
 نخواہند مایسد و ما علینا الا البسلاغ المہین و آخر دعوانا ان الحمد للہ رب العالمین **ک**

[illegible]

۱
 کما جاک شفقین ای کما
 دران بسیار است
 ۲
 خلق ای پادشاه
 ۳
 چنانکه در این دنیا
 ۴
 خورشید از افق
 ۵
 باد می کوزد امیر
 ۶
 ز خاک خود آن راه
 ۷
 خورشید نور ازین راه
 ۸
 خورشید از راه کعبه می آید

۱۲۹

۱
 کما جاک شفقین ای کما
 دران بسیار است
 ۲
 خلق ای پادشاه
 ۳
 چنانکه در این دنیا
 ۴
 خورشید از افق
 ۵
 باد می کوزد امیر
 ۶
 ز خاک خود آن راه
 ۷
 خورشید نور ازین راه
 ۸
 خورشید از راه کعبه می آید

<p>یکی بود کلاً الارض چون لعلت دیگر بود چنانکه باطعام و از پی آن چارمی مثل آفر میشو دایمه خوشا هزار لعب الی طفلان است صوت</p>	<p>برای کثرت باخذ تعیش بنگر برای معنی تصبیر و ضرب ماخذ را مثالی باشد و الا امر شد در کس کس یقین شمس را که آید برای صیرورت</p>
<p>چنانکه بودن آن از صفات خلقی هم و یاز مشق نبودن شه به کرم آن آملی نکند هر کرا بصرف تربیت بهر دو قسم تحول رود و بنماید سوم بود و حجب الی و اطفال و و بدانکه چون محض آمد برای صیرورت مثال آن رحمت یافته توان آورد</p>	<p>از و هم بحر کرم لازم است ای هم بود حقیقت آن فعل حقیقتی انسان یکی بود و حسن آفر دیگری نقشه است پی تعجب بهر بلوغ می آید مثال آن طبع آفر امر است و صلیت ز بهر کثرت باخذ مثال آن صلیت پی تا کرم باخذ بیاید ای هم رود</p>
<p>نخاص نیرند از چو باجیهای دیگر بیغض کسر و عین نیز موجود است</p>	<p>ورد و باب حسب بود و دهت کثرت بدانکه هر چو از آن چند لفظ محدود است</p>

۱
 کما جاک شفقین ای کما
 دران بسیار است
 ۲
 خلق ای پادشاه
 ۳
 چنانکه در این دنیا
 ۴
 خورشید از افق
 ۵
 باد می کوزد امیر
 ۶
 ز خاک خود آن راه
 ۷
 خورشید نور ازین راه
 ۸
 خورشید از راه کعبه می آید

۱۳۱۱
 ۱۳۱۲
 ۱۳۱۳
 ۱۳۱۴
 ۱۳۱۵
 ۱۳۱۶
 ۱۳۱۷
 ۱۳۱۸
 ۱۳۱۹
 ۱۳۲۰
 ۱۳۲۱
 ۱۳۲۲
 ۱۳۲۳
 ۱۳۲۴
 ۱۳۲۵
 ۱۳۲۶
 ۱۳۲۷
 ۱۳۲۸
 ۱۳۲۹
 ۱۳۳۰
 ۱۳۳۱
 ۱۳۳۲
 ۱۳۳۳
 ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵
 ۱۳۳۶
 ۱۳۳۷
 ۱۳۳۸
 ۱۳۳۹
 ۱۳۴۰
 ۱۳۴۱
 ۱۳۴۲
 ۱۳۴۳
 ۱۳۴۴
 ۱۳۴۵
 ۱۳۴۶
 ۱۳۴۷
 ۱۳۴۸
 ۱۳۴۹
 ۱۳۵۰
 ۱۳۵۱
 ۱۳۵۲
 ۱۳۵۳
 ۱۳۵۴
 ۱۳۵۵
 ۱۳۵۶
 ۱۳۵۷
 ۱۳۵۸
 ۱۳۵۹
 ۱۳۶۰
 ۱۳۶۱
 ۱۳۶۲
 ۱۳۶۳
 ۱۳۶۴
 ۱۳۶۵
 ۱۳۶۶
 ۱۳۶۷
 ۱۳۶۸
 ۱۳۶۹
 ۱۳۷۰
 ۱۳۷۱
 ۱۳۷۲
 ۱۳۷۳
 ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵
 ۱۳۷۶
 ۱۳۷۷
 ۱۳۷۸
 ۱۳۷۹
 ۱۳۸۰
 ۱۳۸۱
 ۱۳۸۲
 ۱۳۸۳
 ۱۳۸۴
 ۱۳۸۵
 ۱۳۸۶
 ۱۳۸۷
 ۱۳۸۸
 ۱۳۸۹
 ۱۳۹۰
 ۱۳۹۱
 ۱۳۹۲
 ۱۳۹۳
 ۱۳۹۴
 ۱۳۹۵
 ۱۳۹۶
 ۱۳۹۷
 ۱۳۹۸
 ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰
 ۱۵۰۱
 ۱۵۰۲
 ۱۵۰۳
 ۱۵۰۴
 ۱۵۰۵
 ۱۵۰۶
 ۱۵۰۷
 ۱۵۰۸
 ۱۵۰۹
 ۱۵۱۰
 ۱۵۱۱
 ۱۵۱۲
 ۱۵۱۳
 ۱۵۱۴
 ۱۵۱۵
 ۱۵۱۶
 ۱۵۱۷
 ۱۵۱۸
 ۱۵۱۹
 ۱۵۲۰
 ۱۵۲۱
 ۱۵۲۲
 ۱۵۲۳
 ۱۵۲۴
 ۱۵۲۵
 ۱۵۲۶
 ۱۵۲۷
 ۱۵۲۸
 ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰
 ۱۵۳۱
 ۱۵۳۲
 ۱۵۳۳
 ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵
 ۱۵۳۶
 ۱۵۳۷
 ۱۵۳۸
 ۱۵۳۹
 ۱۵۴۰
 ۱۵۴۱
 ۱۵۴۲
 ۱۵۴۳
 ۱۵۴۴
 ۱۵۴۵
 ۱۵۴۶
 ۱۵۴۷
 ۱۵۴۸
 ۱۵۴۹
 ۱۵۵۰
 ۱۵۵۱
 ۱۵۵۲
 ۱۵۵۳
 ۱۵۵۴
 ۱۵۵۵
 ۱۵۵۶
 ۱۵۵۷
 ۱۵۵۸
 ۱۵۵۹
 ۱۵۶۰
 ۱۵۶۱
 ۱۵۶۲
 ۱۵۶۳
 ۱۵۶۴
 ۱۵۶۵
 ۱۵۶۶
 ۱۵۶۷
 ۱۵۶۸
 ۱۵۶۹
 ۱۵۷۰
 ۱۵۷۱
 ۱۵۷۲
 ۱۵۷۳
 ۱۵۷۴
 ۱۵۷۵
 ۱۵۷۶
 ۱۵۷۷
 ۱۵۷۸
 ۱۵۷۹
 ۱۵۸۰
 ۱۵۸۱
 ۱۵۸۲
 ۱۵۸۳
 ۱۵۸۴
 ۱۵۸۵
 ۱۵۸۶
 ۱۵۸۷
 ۱۵۸۸
 ۱۵۸۹
 ۱۵۹۰
 ۱۵۹۱
 ۱۵۹۲
 ۱۵۹۳
 ۱۵۹۴
 ۱۵۹۵
 ۱۵۹۶
 ۱۵۹۷
 ۱۵۹۸
 ۱۵۹۹
 ۱۶۰۰
 ۱۶۰۱
 ۱۶۰۲
 ۱۶۰۳
 ۱۶۰۴
 ۱۶۰۵
 ۱۶۰۶
 ۱۶۰۷
 ۱۶۰۸
 ۱۶۰۹
 ۱۶۱۰
 ۱۶۱۱
 ۱۶۱۲
 ۱۶۱۳
 ۱۶۱۴
 ۱۶۱۵
 ۱۶۱۶
 ۱۶۱۷
 ۱۶۱۸
 ۱۶۱۹
 ۱۶۲۰
 ۱۶۲۱
 ۱۶۲۲
 ۱۶۲۳
 ۱۶۲۴
 ۱۶۲۵

کانداز کرد و سبب آن حال را
 را و حال که سبب آن حال را
 بر و سبب و سبب و سبب و سبب
 چو در سبب و سبب و سبب و سبب
 در حالت و سبب و سبب و سبب
 قسود و سبب و سبب و سبب
 شش و سبب و سبب و سبب
 سبب و سبب و سبب و سبب

<p>لوان نمودار و ابتدای حرف نون</p>	<p>چنانکه هست تکلم برای حرف نون</p>
<p>تفاعله تفاعله برای مشارکت برگیر بلفظ فاعل و مفعول که چشند مفعول موانعت مجرد نماید و فعال یکی چو ساق در معنی سوار آید موافق است تفعیل نیز می دانا هم آید است پی ابتدا یقین پیدا پی و فاق تفاعل چسبه ملا آید</p>	<p>تفاعله مثال فاعل سلمان خالده ابی دلیک هر دو معنی است فاعل فاعل مثال هر دو نویسم من می خیم و اگر چو با عذ گوی بموضع کعبه چنانکه ضاعف یا ضغف است مع مثال بر تو ز قاسا و میشو و سان چو شاتما که بحسای شاتما آید</p>
<p>تفاعل تفاعل آمده بهتر تشارک می هم پی صد و فقط بود و است کم سو جو بود معنی تفعیل می شود و سیر تفاعله که بود و معنی افعال تفاعل زین عده مثال که است</p>	<p>تفاعل صد و فعل و تعلق بهر و و شد تشارک تا یک دیگر تر افعا ابجا و تفاعل است مثالش ترو اهل تفاعلش نباید مطا و حش چنانکه لاحق اتعده مجرد و است</p>

کانداز کرد و سبب آن حال را
 را و حال که سبب آن حال را
 بر و سبب و سبب و سبب و سبب
 چو در سبب و سبب و سبب و سبب
 در حالت و سبب و سبب و سبب
 قسود و سبب و سبب و سبب
 شش و سبب و سبب و سبب
 سبب و سبب و سبب و سبب
 کانداز کرد و سبب آن حال را
 را و حال که سبب آن حال را
 بر و سبب و سبب و سبب و سبب
 چو در سبب و سبب و سبب و سبب
 در حالت و سبب و سبب و سبب
 قسود و سبب و سبب و سبب
 شش و سبب و سبب و سبب
 سبب و سبب و سبب و سبب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و موافقت محبت در همی کند بیشک
 بود موافق افعال ابتدا را فان
 هر آنچه را که در مفعول در مفاعلت
 چنانکه جاذب و دافع با همی شود
 ولی چه شد متعدي در ان بیک
 و ملان چو قاتل عمران خالدا با پر

چنانکه هست تو را بی و منی معنی یک
 تیا منی منی اول و من تبارک خوان
 چو نقل و تفاعل کنی کی نبست
 بیان آن تفاعل شب و با تو با
 چو در تفاعلش آری کند از دم
 درین تفاعل زید و حسن مداید

ثلاثی منہجہ وصل

عميان فرید تلای چو شد بلا هجره

اقتفال

چنانکه گفت گفتال و مثال
لی چو چوخت و دیگر اخذ می نمود
مثال هر همه محفوظ باید تا می
عزمت بنک فاعلم شد مثال او
چنانکه بلیج ای به معنی بلیج
چو اخذ اخذ و چون بستم بستم

بازگشت از اردستان
چال کهنه در اردستان
اردستان در اردستان
اردستان در اردستان
اردستان در اردستان

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰

<p>هم از برای تفعل موافقت بنکر موافق از پی استفعال ابتدائی</p>	<p>تخصیص خصم آمدی یکدیگر یکی چو این بجز است تا خبر است تمامانی</p>
<p>استفعال</p> <p>برای معنی حسان لیاقت تفعل در اطل است چو استحسن و چو است هم آید است برای محمل و حسان مثال سهر و چو است خبر است و است سطا و دعوت پی افعال نیز نداری مطامع است برای محب و مطلق همین مطلق تفعل می شریف لقب مواقت بجز و چو است تقریب موافق است با افعال هم چو است موافق است همین طور تفعل را هم آید است پی ابتدا بدو و حسان</p>	<p>با استخاد و پی قصه ای حیدر اخیر هر دو چو است و است بو دز به طلب نیز بیگان میدان برای معنی ثالث مقرر است تطعم چو استقام که بعد از اقامت آری بدان مثال و سفت الکتاب است و سق چنانکه گوی اوست و است و است یکی با کثر از اقامت است و است که مثل است شد در کلام عرب چنانکه مثل است بیا است چو است عان تر اشید موی نیز</p>
<p>انفعال</p>	

۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰

۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰

۱- فعل مضارع
 ۲- فعل ماضی
 ۳- فعل مستقبل
 ۴- فعل امر
 ۵- فعل نکره
 ۶- فعل ماضی
 ۷- فعل مضارع
 ۸- فعل مضارع
 ۹- فعل مضارع
 ۱۰- فعل مضارع
 ۱۱- فعل مضارع
 ۱۲- فعل مضارع
 ۱۳- فعل مضارع
 ۱۴- فعل مضارع
 ۱۵- فعل مضارع
 ۱۶- فعل مضارع
 ۱۷- فعل مضارع
 ۱۸- فعل مضارع
 ۱۹- فعل مضارع
 ۲۰- فعل مضارع
 ۲۱- فعل مضارع
 ۲۲- فعل مضارع
 ۲۳- فعل مضارع
 ۲۴- فعل مضارع
 ۲۵- فعل مضارع
 ۲۶- فعل مضارع
 ۲۷- فعل مضارع
 ۲۸- فعل مضارع
 ۲۹- فعل مضارع
 ۳۰- فعل مضارع
 ۳۱- فعل مضارع
 ۳۲- فعل مضارع
 ۳۳- فعل مضارع
 ۳۴- فعل مضارع
 ۳۵- فعل مضارع
 ۳۶- فعل مضارع
 ۳۷- فعل مضارع
 ۳۸- فعل مضارع
 ۳۹- فعل مضارع
 ۴۰- فعل مضارع
 ۴۱- فعل مضارع
 ۴۲- فعل مضارع
 ۴۳- فعل مضارع
 ۴۴- فعل مضارع
 ۴۵- فعل مضارع
 ۴۶- فعل مضارع
 ۴۷- فعل مضارع
 ۴۸- فعل مضارع
 ۴۹- فعل مضارع
 ۵۰- فعل مضارع
 ۵۱- فعل مضارع
 ۵۲- فعل مضارع
 ۵۳- فعل مضارع
 ۵۴- فعل مضارع
 ۵۵- فعل مضارع
 ۵۶- فعل مضارع
 ۵۷- فعل مضارع
 ۵۸- فعل مضارع
 ۵۹- فعل مضارع
 ۶۰- فعل مضارع
 ۶۱- فعل مضارع
 ۶۲- فعل مضارع
 ۶۳- فعل مضارع
 ۶۴- فعل مضارع
 ۶۵- فعل مضارع
 ۶۶- فعل مضارع
 ۶۷- فعل مضارع
 ۶۸- فعل مضارع
 ۶۹- فعل مضارع
 ۷۰- فعل مضارع
 ۷۱- فعل مضارع
 ۷۲- فعل مضارع
 ۷۳- فعل مضارع
 ۷۴- فعل مضارع
 ۷۵- فعل مضارع
 ۷۶- فعل مضارع
 ۷۷- فعل مضارع
 ۷۸- فعل مضارع
 ۷۹- فعل مضارع
 ۸۰- فعل مضارع
 ۸۱- فعل مضارع
 ۸۲- فعل مضارع
 ۸۳- فعل مضارع
 ۸۴- فعل مضارع
 ۸۵- فعل مضارع
 ۸۶- فعل مضارع
 ۸۷- فعل مضارع
 ۸۸- فعل مضارع
 ۸۹- فعل مضارع
 ۹۰- فعل مضارع
 ۹۱- فعل مضارع
 ۹۲- فعل مضارع
 ۹۳- فعل مضارع
 ۹۴- فعل مضارع
 ۹۵- فعل مضارع
 ۹۶- فعل مضارع
 ۹۷- فعل مضارع
 ۹۸- فعل مضارع
 ۹۹- فعل مضارع
 ۱۰۰- فعل مضارع

<p> پس انفعال لزوم علاج مرا درست مطاوع آمده هر چه در پیش آید برای افعال غلط فاعل تو آید وفاق نیز کند با مجسمه و سافج موافق است بافعال لیک کم بیشک شد اتفاق که فاعلهش نباشد چون کسیکه چشم درین حکم میکنند داخل </p>	<p> بدین کلمات گویند را بعد از خط گشت فاعله ایجان شمال آید با بدی عمل مثل انطلق آید چنانکه بتلج الصبح شد یکی سلاج چنانکه بحجند و احجرت با هم یک حروف علت را لام نیز می آید و ن مگر زاعلق و انجی شده غافل </p>
--	---

افعیال

<p> لزوم آمده غالب باب افعیال گوی تجزیه هم آید یا حرف اگاه مطاوعت مجرب کند چو اثنو نا موافقت به فعل نیاید یا پرفن یگانگیش به فعل است در معنی موافق است بافعال مجروح اولی </p>	<p> مبالغت هم لازم نموده اند خیال یکی چو اثنو شب دیگری چو اعر راه که جاشدست بعد سینه او را چنانکه گشت تمام شدن اثنو چنانکه اسلولی شد بجای اثنو بجای اثنو هم ابتدا چو اذ لوس </p>
--	---

افعیال و افعیال

۱- فعل مضارع
 ۲- فعل مضارع
 ۳- فعل مضارع
 ۴- فعل مضارع
 ۵- فعل مضارع
 ۶- فعل مضارع
 ۷- فعل مضارع
 ۸- فعل مضارع
 ۹- فعل مضارع
 ۱۰- فعل مضارع
 ۱۱- فعل مضارع
 ۱۲- فعل مضارع
 ۱۳- فعل مضارع
 ۱۴- فعل مضارع
 ۱۵- فعل مضارع
 ۱۶- فعل مضارع
 ۱۷- فعل مضارع
 ۱۸- فعل مضارع
 ۱۹- فعل مضارع
 ۲۰- فعل مضارع
 ۲۱- فعل مضارع
 ۲۲- فعل مضارع
 ۲۳- فعل مضارع
 ۲۴- فعل مضارع
 ۲۵- فعل مضارع
 ۲۶- فعل مضارع
 ۲۷- فعل مضارع
 ۲۸- فعل مضارع
 ۲۹- فعل مضارع
 ۳۰- فعل مضارع
 ۳۱- فعل مضارع
 ۳۲- فعل مضارع
 ۳۳- فعل مضارع
 ۳۴- فعل مضارع
 ۳۵- فعل مضارع
 ۳۶- فعل مضارع
 ۳۷- فعل مضارع
 ۳۸- فعل مضارع
 ۳۹- فعل مضارع
 ۴۰- فعل مضارع
 ۴۱- فعل مضارع
 ۴۲- فعل مضارع
 ۴۳- فعل مضارع
 ۴۴- فعل مضارع
 ۴۵- فعل مضارع
 ۴۶- فعل مضارع
 ۴۷- فعل مضارع
 ۴۸- فعل مضارع
 ۴۹- فعل مضارع
 ۵۰- فعل مضارع
 ۵۱- فعل مضارع
 ۵۲- فعل مضارع
 ۵۳- فعل مضارع
 ۵۴- فعل مضارع
 ۵۵- فعل مضارع
 ۵۶- فعل مضارع
 ۵۷- فعل مضارع
 ۵۸- فعل مضارع
 ۵۹- فعل مضارع
 ۶۰- فعل مضارع
 ۶۱- فعل مضارع
 ۶۲- فعل مضارع
 ۶۳- فعل مضارع
 ۶۴- فعل مضارع
 ۶۵- فعل مضارع
 ۶۶- فعل مضارع
 ۶۷- فعل مضارع
 ۶۸- فعل مضارع
 ۶۹- فعل مضارع
 ۷۰- فعل مضارع
 ۷۱- فعل مضارع
 ۷۲- فعل مضارع
 ۷۳- فعل مضارع
 ۷۴- فعل مضارع
 ۷۵- فعل مضارع
 ۷۶- فعل مضارع
 ۷۷- فعل مضارع
 ۷۸- فعل مضارع
 ۷۹- فعل مضارع
 ۸۰- فعل مضارع
 ۸۱- فعل مضارع
 ۸۲- فعل مضارع
 ۸۳- فعل مضارع
 ۸۴- فعل مضارع
 ۸۵- فعل مضارع
 ۸۶- فعل مضارع
 ۸۷- فعل مضارع
 ۸۸- فعل مضارع
 ۸۹- فعل مضارع
 ۹۰- فعل مضارع
 ۹۱- فعل مضارع
 ۹۲- فعل مضارع
 ۹۳- فعل مضارع
 ۹۴- فعل مضارع
 ۹۵- فعل مضارع
 ۹۶- فعل مضارع
 ۹۷- فعل مضارع
 ۹۸- فعل مضارع
 ۹۹- فعل مضارع
 ۱۰۰- فعل مضارع

۱- فعل مضارع
 ۲- فعل مضارع
 ۳- فعل مضارع
 ۴- فعل مضارع
 ۵- فعل مضارع
 ۶- فعل مضارع
 ۷- فعل مضارع
 ۸- فعل مضارع
 ۹- فعل مضارع
 ۱۰- فعل مضارع
 ۱۱- فعل مضارع
 ۱۲- فعل مضارع
 ۱۳- فعل مضارع
 ۱۴- فعل مضارع
 ۱۵- فعل مضارع
 ۱۶- فعل مضارع
 ۱۷- فعل مضارع
 ۱۸- فعل مضارع
 ۱۹- فعل مضارع
 ۲۰- فعل مضارع
 ۲۱- فعل مضارع
 ۲۲- فعل مضارع
 ۲۳- فعل مضارع
 ۲۴- فعل مضارع
 ۲۵- فعل مضارع
 ۲۶- فعل مضارع
 ۲۷- فعل مضارع
 ۲۸- فعل مضارع
 ۲۹- فعل مضارع
 ۳۰- فعل مضارع
 ۳۱- فعل مضارع
 ۳۲- فعل مضارع
 ۳۳- فعل مضارع
 ۳۴- فعل مضارع
 ۳۵- فعل مضارع
 ۳۶- فعل مضارع
 ۳۷- فعل مضارع
 ۳۸- فعل مضارع
 ۳۹- فعل مضارع
 ۴۰- فعل مضارع
 ۴۱- فعل مضارع
 ۴۲- فعل مضارع
 ۴۳- فعل مضارع
 ۴۴- فعل مضارع
 ۴۵- فعل مضارع
 ۴۶- فعل مضارع
 ۴۷- فعل مضارع
 ۴۸- فعل مضارع
 ۴۹- فعل مضارع
 ۵۰- فعل مضارع
 ۵۱- فعل مضارع
 ۵۲- فعل مضارع
 ۵۳- فعل مضارع
 ۵۴- فعل مضارع
 ۵۵- فعل مضارع
 ۵۶- فعل مضارع
 ۵۷- فعل مضارع
 ۵۸- فعل مضارع
 ۵۹- فعل مضارع
 ۶۰- فعل مضارع
 ۶۱- فعل مضارع
 ۶۲- فعل مضارع
 ۶۳- فعل مضارع
 ۶۴- فعل مضارع
 ۶۵- فعل مضارع
 ۶۶- فعل مضارع
 ۶۷- فعل مضارع
 ۶۸- فعل مضارع
 ۶۹- فعل مضارع
 ۷۰- فعل مضارع
 ۷۱- فعل مضارع
 ۷۲- فعل مضارع
 ۷۳- فعل مضارع
 ۷۴- فعل مضارع
 ۷۵- فعل مضارع
 ۷۶- فعل مضارع
 ۷۷- فعل مضارع
 ۷۸- فعل مضارع
 ۷۹- فعل مضارع
 ۸۰- فعل مضارع
 ۸۱- فعل مضارع
 ۸۲- فعل مضارع
 ۸۳- فعل مضارع
 ۸۴- فعل مضارع
 ۸۵- فعل مضارع
 ۸۶- فعل مضارع
 ۸۷- فعل مضارع
 ۸۸- فعل مضارع
 ۸۹- فعل مضارع
 ۹۰- فعل مضارع
 ۹۱- فعل مضارع
 ۹۲- فعل مضارع
 ۹۳- فعل مضارع
 ۹۴- فعل مضارع
 ۹۵- فعل مضارع
 ۹۶- فعل مضارع
 ۹۷- فعل مضارع
 ۹۸- فعل مضارع
 ۹۹- فعل مضارع
 ۱۰۰- فعل مضارع

<p>از نوم آمده لازم بباب اخیلال مبالغه هر دو بودند و اکثر مثال اولش از حمار است چون احسن گویی بود که ازین سر دو بر کلان باشد مطامعت مجرک کند گو دانی درین مثال شده و دیگر میوید باشد</p>	<p>چنانکه از پی فعل نزد اهل کمال بکون و عیب مخالط شوند در اکثر برای تانیث احوال آمد و اعور چنانکه آمده اینها را النساء است چو از عوی که زبعت عوته خوانی که تانی و د مجانس مثل از باشد</p>
<p>بنامی تنقیص است با جاف و خوال پی میاخذ آیه به تنگ اجب شود بنامی تنقیص آنست نزد اهل پیش که نام اصل ندارد و نه مثل اصل خود</p>	<p>چنانکه آمده از علوط از برای مثال که داشت است دلالت بکثرت مانند بیان مجامع اگر بر کلام داری گوش بحرف اند و بحساق بهم نه پیوند</p>
<p>ز به دو قسم ثلاثی تمام شد چو مقال</p>	<p>مقام شرح رباعی مجر و استحال</p>
<p>چون فعل است با معانی بسیار</p>	<p>شمار جمله خواش سی برود و شوا</p>

فصل در بیان تنقیص و تانیث
و در بیان اخیلال و مبالغه
و در بیان مجامع و بحرف
و در بیان بحساق و پیوند
و در بیان ثلاثی و مقال
و در بیان شرح رباعی
و در بیان فعل و معانی
و در بیان شمار جمله خواش
و در بیان سی برود و شوا

۱۲۸
 در بیان معانی همی کتم باری
 برای قصه همین آید و بی الباس
 که افادت تصویر عوجن ای دور
 چو عجب لفرس از بر قطع ماحد باب
 بی ماله ماخذ دست چون طالب
 همین خط بی صیر و ترش یقین پیدا
 مطاوعت بفعیل و مشن با تقصیر
 کثیر است صیغ مضاعفشن بکلام
 که چون حسیج دیگر چو زلزله می آید
 چهارم اولقه بلا زست و کرفا شد

چو گفته اند که شسته نمونه خردوار
 مثال فعل بر قضا بلا و سو واجب
 با شخا بود و مشن و سکر و قضا
 بی فعل آید چو ز عطفه الا کو ان
 تر بر معنی تخلیط گشت چون لغز
 مثال بی کلام است عسلج الا شجاء
 مثال عطره الفیض فطرش گیر
 قلیل مفعول هموز فاعل بی لام
 چنانکه و سوس خوضی بود و گویا
 بسی مضاعف هموز مثل فاعل باشد

در بیان معانی همی کتم باری
 برای قصه همین آید و بی الباس
 که افادت تصویر عوجن ای دور
 چو عجب لفرس از بر قطع ماحد باب
 بی ماله ماخذ دست چون طالب
 همین خط بی صیر و ترش یقین پیدا
 مطاوعت بفعیل و مشن با تقصیر
 کثیر است صیغ مضاعفشن بکلام
 که چون حسیج دیگر چو زلزله می آید
 چهارم اولقه بلا زست و کرفا شد

رباعی مزید
 عیان چو گشت باعی مجر از یک باب
 کنون بیان باعی مزید را در باب
 بی تحول و علق هم فاعل شد
 بی فعل هم مقضب بلا شت
 بی تحول و علق هم فاعل شد
 بی فعل هم مقضب بلا شت

۱۲۹
 در بیان معانی همی کتم باری
 برای قصه همین آید و بی الباس
 که افادت تصویر عوجن ای دور
 چو عجب لفرس از بر قطع ماحد باب
 بی ماله ماخذ دست چون طالب
 همین خط بی صیر و ترش یقین پیدا
 مطاوعت بفعیل و مشن با تقصیر
 کثیر است صیغ مضاعفشن بکلام
 که چون حسیج دیگر چو زلزله می آید
 چهارم اولقه بلا زست و کرفا شد

که گزینان این ابواب نظم گردیدی
 بواقعی چون نظر کردی شکر نمود
 چنانچه بر خط این او نهادم سر
 ز کار مطیع فرصت ملی نبود مرا
 چو صبحگاه مطیع روانه میگشتم
 درین مسیر آفتاب آفتاب فکرت بود
 باده آخر دی حجب است اگر دیدی
 بی زاندا آغاز نام تاسیست
 نظر خاتمه تا پنج سال آدریاب
 مدام تا که آتیه نو و کهن باشد
 ز با بجان محمد رسد در دو سال

بخط سهل شدی هر کسی پیغمبر
 قبول خاطر من آمد آنچه او فرمود
 نظر بجانب تأیید حسن اقی اکبر
 که تا شام زهرج میگذشت اینجا
 بوقت شام زانجا بجهان می گشتم
 که این عجاایب بحسب مراد جلوه نمود
 شروع ماه محرم ختم آنجا مید
 که سال شصت یک و دصد و هزار
 بحسب دل شده موزون خصائص اوقاف
 بصفحه من این یادگار من باشد
 بر آل وصت رحمتی تا برود قیام

نسخه
 ۱۳۰
 سند
 ۱۳۰

خاتمه

بعد حمد و ثناء علیکه شرکت شریفیت در فوات و صفاتش محال و فعال بهیستال و منزه
 از زمانه ماضی حال استقبال للرحم یا که کتاب فوائد انصاف حاوی قواعد فخر
 جامع عوائد شکر و مجود فیض گشتری غنی قصول اکبری در مطیع ناگرمی شمع شوق و شمع
 ماه اگست ششم

CALL NO.

۴۹۲۳۷۵

ACC. NO.

۶۳۷۴

AUTHOR

TITLE

فصول اکبری

THE BOOK MUST BE

Date

No.

Date

No.



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.